

نقش حساس خانواده در تربیت کودکان

دکتر احمد قاسمی



مشاهدات و بررسیهای دانشمندان علوم تربیتی و روانشناسان ثابت کرده است که شخصیت پدر و مادر و کیفیت رفتار آنان بیش از هر عامل دیگری در تربیت طفل و تکوین شخصیت او اثر می‌گذارد. والدین اولین کسانی هستند که در آینده حساس ضمیر کودک نقش می‌بندند و هر کودکی نمونه‌سازی اولیه را بر بنیاد پدر و مادر خویش آغاز می‌کند، اگر پسر باشد سعی می‌کند در قالب پدر خویش درآید و اگر دختر است، الگوی آتی زندگی را در وجود مادر خویش جستجو می‌کند. البته افراد دیگری هم که با کودک تماس دارند از قبیل برادر، خواهر، بستگان نزدیک و حتی پرستار و مستخدم و سرب می نیز در تربیت او تأثیر دارند ولی کیفیت این تأثیر پذیری نسبت به پدر و مادر بخصوص در دوران طفولیت بسیار ضعیف است. والدین با رفتار آمیخته با خشونت یا لطف بیش از حد،



باگذشت و اغماض یا سختگیری و انضباط ، یا توجه آمیخته باعشق یا بی‌اعتنایی توأم با نفرت ، می‌توانند کودکانی خمود یا فعال ، خوش‌بین یا بدگمان ، شاداب یا غمگین و بالاخره سازگار یا سرکش به اجتماع تحویل نمایند .

بسیاری از روانشناسان ، روانکاوان و دادرسان دادگاههای اطفال، با بررسی علل و ریشه ناراحتی‌ها و نارسازگاریهای اجتماعی جوانان بزهکار ، باین نتیجه رسیده‌اند که رفتار پدر و مادر سرمنشأ اغلب آشفتگی‌ها ، ناسازگاریها ، واعمال و افعال مخالف مقررات اجتماعی جوانان بوده است و به این نتیجه رسیده‌اند که جوانان بزهکار اکثراً قربانیان بی‌اطلاعی ، کج‌خلقی بد رفتاری پدران و مادران خود می‌باشند .

مطالعات و بررسیهای علمی دیگری نیز در زمینه عقب افتادگیهای ذهنی کودکان و ناسازگاریهای اطفال ثابت کرده است که اختلافات خانوادگی و اشتباهات تربیتی و بی‌اطلاعی والدین از تأثیر رفتار خود، در مورد کودک عوامل مؤثری هستند که در سرنوشت آتی کودک و خوشبختی یا

بدبختی او مؤثر می‌باشند بنا براین فکر حمایت از کودکان در برابر نتایج حاصل از تربیت غلط یا رفتارهای ناشایست والدین بوجود آمده است حتی در بعضی از مسالک جهان قوانینی برای این موضوع وضع گردیده است .

تحقیقات و بررسیهای روانشناسان ثابت کرده است که کمبودهای عاطفی، حتی در سالهای اول زندگی می‌تواند منشأ ناسازگاریهای مختلف در کودک شود ، بعنوان مثال کوچکترین اختلال در امر تغذیه یک کودک شیرخوار ممکن است اثرات عمیقی را بشکل ناسازگاری و خودداری از برقراری رابطه عاطفی در او برجای گذارد و کودک را بصورت موجودی ناآرام و پرخاشگر درآورد که هیچ گونه همکاری را نمی‌پذیرد .

کودکانی که بععلل مختلف (طلاق ، فوت مادر ، زندگی در آغوش دایه یا پرستار و ...) از محبت و عواطف مادری در سالهای اول زندگی محرومند نمونه‌های چشمگیری برای نشان دادن آثار دوررس و ناگوار این محرومیت می‌باشند، لیکن کودکانی که دوران طفولیت خود را در کانون خانواده‌ای گرم و بهربان می‌گذرانند زمینه مساعدی را برای تربیت صحیح در آینده فراهم می‌سازند. یادآوری آثار شوم ناشی از ازدواجهای نامناسب و یا جدائیهای زودرس در تربیت عاطفی کودکان گرچه مسئله‌ای است که غالباً تکرار شده است لیکن از لحاظ اهمیت موضوع ضروری بنظر می‌رسد .

از آنجا که روابط عاشقانه‌ای که بعضی اوقات پدری را به کودک تحمیل می‌کند،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ناسازگاریهای والدین و بالاخره مسائل و مشکلات اقتصادی بعضی از خانواده‌ها وقایعی هستند که هر روز اتفاق می‌افتد و در ذهن حساس کودک آثار عمیقی باقی می‌گذارند .

گرچه مرگ زودرس یکی از والدین تأثیر عمیق و فراموش نشدنی در کودک باقی می‌گذارد لیکن اثر غم انگیز و تأسف آور آن بمراتب کمتر از زمانی است که مادری بر اثر ازدواج مجدد، طفل خویش را رها می‌کند و سرپرستی او را به عمه یا خاله‌اش واگذار می‌کند یا پدری به پیروی از هوسهای آنی، کانون خانوادگی خود را درهم می‌ریزد و کودک معصوم را از حمایت عاطفی مادر محروم می‌سازد .

اغلب بزهکاران جوان کسانی هستند که در کانون خانوادگی متشنجی زندگی کرده و از حمایت پدر یا محبت مادر محروم بوده‌اند معمولاً کودکان از سنین سه تا پنج سالگی موقعیت خویش را بعنوان پسر یا دختر خانواده مشخص می‌سازند و در همین دوران است که دستورات تربیتی کودک شروع می‌شود . در بعضی از خانواده‌ها این دستورات مجموعه‌ای از ممنوعیت‌های مکرر در حرکات و اعمال روزانه کودک است و این ممنوعیت‌ها بعدی است که می‌توان گفت آزادی عادی کودک را سلب می‌کند ، پدر و یا مادر و حتی پدر بزرگ و مادر بزرگ و یا برادران و خواهران بزرگتر هر کدام به نحوی در تشدید این ممنوعیت‌ها دخالت دارند و در غذا خوردن ، بازی ، و کلیه حرکات و اعمال کودک دخالت می‌کنند و بتدریج که سن کودک زیادتر میشود برتوسعه محدودیت‌ها نیز افزوده می‌گردد و در انتخاب دوستان، خروج از منزل ، نوع بازی ، کیفیت گفت و شنود نیز مشعاعیت‌ها را محدود می‌کنند .

بعضی اوقات نارضایتی‌های حاصل از زندگی زناشویی و اختلافات بین پدر و مادر در تشدید ممنوعیت‌ها و کیفیت تربیت کودکان تأثیر می‌گذارد و کودک وجه المصاحبه نا سازگارهای والدین قرار می‌گیرد و دچار سرگردانی میشود ، بعنوان مثال پسر یا دختری که مورد محبت یکی از والدین است به علت اختلاف و مشاجره‌ای که درمی‌گیرد محسوس طرف مقابل واقع می‌شود و سپریلا قرار می‌گیرد ، در این قبیل مواقع جانبداری و حمایت یک طرف از کودک موجب می‌شود که دامنه مشاجره بالاگیرد و چه بسا که در پایان، کودک قربانی این تضاد و اختلاف قرار می‌گیرد . بنابراین کافی نیست که پدر و مادر در مقابل کودکان خود از مشاجره و گفتگو خودداری کنند بلکه باید روشی پیش‌گیرند که کودکان از وجود ناراحتی‌ها و عدم توافق‌های موجود بین والدین بی‌اطلاع بمانند و در حاشیه قرار گیرند .

بطور کلی در خانواده‌هایی که توافق برقرار است و هر یک از والدین به اهمیت مسئولیت خویش آگاهی دارند ، کودکانها و لوائیکه محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی را هم تحمل کرده باشد ، در بزرگی کمتر به فساد و گمراهی کشانده می‌شود ، لیکن در خانواده‌هایی که عدم توافق و اختلاف وجود دارد ، کودکان ، ولوائیکه از آزادی و رفاه کامل برخوردار باشند موجوداتی نامتعادل و ناسازگار تربیت می‌شوند و نه تنها در کانون خانواده، بلکه در محیط تحصیلی و صحنه اجتماع نیز اشکالاتی فراهم می‌سازند که در نتیجه هدایت آنان رابسوی همزیستی مسالمت آمیز با دیگران مواجه با اشکال می‌کند بنا بر این یک بار دیگر نقش حساس خانواده را در تربیت کودک یاد آور می‌شویم و در شماره‌های آینده تأثیر محیط مدرسه و جامعه را نیز در این زمینه مورد بررسی قرار خواهیم داد .

دنباله فاجعه دانش آموزان

بازی کنند ولی کارشناسان تعلیم و تربیت - معتقدند که مبارزه اصلی علیه بردود شدن دانش آموزان را فقط مدرسه و اولیا آن‌می‌توانند انجام دهند ، اولیای مدارس وظیفه دارند در مورد دانش آموزانی که نمرات بد می‌گیرند تحقیق کنند و علت درس نخواندن و بسا بردود شدن آنها را بفهمند . آیا بچه‌ها گزرتاری خانوادگی دارند ؟ خیال آنها بدلیل شخصی ناراحت است ؟ هوسها و خیالات دوران بلوغ آنها را متعرف کرده است ؟ از محیط کلاس و درس و شاید سیاست آموزش معلم خود خسته شده‌اند ؟ و در صدد رفع این علل برآیند موضوع را اگر با خانواده مربوط میشود با اولیای آن دانش آموز در میان بگذارند و از آنها کمک بخواهند و تنها باین وسیله است که می‌توان از فاجعه‌ای که ر فوزه شدن ، بنال خواهد داشت جلوگیری کرد

چهره تابستان بروی جوانان

تعلیم و تربیت را کلافه کرده است ! کارشناسان مسائل تربیتی در بسیاری از اجتماعات گیتی ، باپند و موعظه و اندرزهای فرمولی و عارفانه میخواهند طبع رسیده و گستاخ جوانان را مهار کنند و نفوس مجرد آنها را در دام سیستمهای کهنه و بیمنطقی به همزبکشی جهمنهایی وادارند که روح و منطق زمان ارتکاب آنها را نهی کرده است .

این شیوه‌های رفتار و مهاشات غیرصادقانه در بسیاری از سرزمینهای دنیا مابانسلهای جوان و نوریس طبایع زود رنج و حساس این توده‌ها را علیه این جوامع برمی‌انگیزد و سیمای زندگی را در نظر این انسانهای باهوش و حساس زشت و عبوس و نفرت‌آور جلوه میدهد .